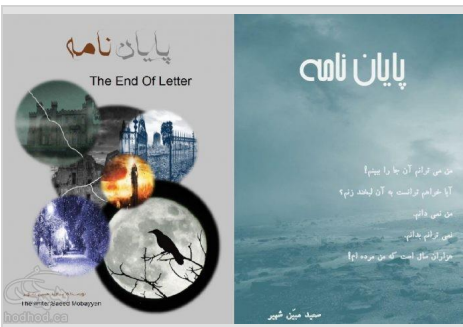


کتاب پایان نامه : ابداع سبک جدید در ادبیات توسط یک نویسنده سردردی

اولین کتاب نوشته شده به سبک نمادگرایی جادویی، پایان نامه نام دارد که به اذعان بسیاری از ادیبان، محاب نظران و استادان ثری بدیع در ادبیات ایران به حساب می آید. نماد های به کار برده شده در این کتاب، گاهها دور از ذهن می باشند و به همین دلیل آشنایی با نماد ها، اسطوره ها، مبانی فلسفه، ادیان و تاریخ برای فهم و درک کلی کتاب ضروریست.

این روز ها کمتر کسی است که اسم کتاب پایان نامه را نشنیده باشد. این کتاب کم حجم و ویژگی های بسیاری دارد که آن را جزء یکی از شاهکار های ادبیات ایران قرار داده است. نویسنده نوجوان این کتاب، سعید مبین شهیر، هدف خود را از نوشتن این کتاب این گونه بیان می کند ((باید در درک و فهم متن ها، داستان ها و شعر ها کنجاوی وجود داشته باشد. باید حسی پویا را در خواننده برانگیخت. ادبیات ایران نیاز به یک تحول دارد همان طور که در عصر نیما این تحول به وجود آمد و پرورش یافت. از طرف دیگر مشغله های امروز، وقت مطالعه را به شدت کاهش می دهد و این باعث ضربات جبران ناپذیری به صورت ها و شکل های گوناگونی در جامعه می شود؛ پس باید نوشته ها به گونه ای باشند که در عین کم حجم بودن بیش ترین مفهوم را در خود جای دهند. البته به این نکته نیز باید توجه کرد که نوشته ها نباید خسته کننده باشند؛ نوآوری در داستان ها و شعر ها می تواند یکی از راه های از بین بردن این عامل باشد. نوآوری در نوشته ها همچنین باعث می شود که ذهن خواننده به چالش کشیده شود.))



کتاب پایان نامه اثر سعید مبین شهیر نام کتابی است که در اصل دو معنا و مضمون متفاوت را در قالب کلمات در خود جای داده است. شیوه نگارش کتاب از سبک نمادگرایی پا پیش گذاشته و حجم کثیری از کتاب را نماد نماد تشکیل داده است؛ به این معنا که به جای استفاده از نماد از نماد های نزدیک به یک نماد یا بخشی از یک نماد و یا ویژگی های یک نماد، استفاده شده است پس ما هم مثل نویسنده کتاب، سبک این کتاب را نمادگرایی جادویی (مچیکال سمبولیسم) می نامیم. متفاوت بودن کتاب زمانی توجه خواننده را جلب می کند که معنی بسیاری از جملات را در ابتدا نمی تواند کشف کند.

اما با مطالعه بیش تر همان جملات نا مفهوم در فصول دیگر به آرامی متوجه بیش تر جمله ها می شود. متن کتاب به گونه ای است که در ظاهر یک بی انسجامی و بی نظمی را در چشم خواننده به نمایش می گذارد اما در اصل این طور نیست بلکه تمامی جملات کتاب دارای معنی و مضمون بوده و گاهها به گونه ای نوشته شده اند که خواننده را به تفکری عمیق فرا خوانند. برای فهم کتاب باید مطالعه کافی در زمینه تاریخ، اساطیر، ملل، جغرافیا، ادبیات، ادیان و نماد ها داشت و به عبارت دیگر باید با علوم انسانی آشنا بود. نام مکان ها در کتاب گاهها به صراحت و گاهها در قالب نماد ها بیان شده اند. ویژگی خاص کتاب در این است که با وجود نماد های بسیار زیادی که در کتاب وجود دارد، متن آن به گونه ای نوشته شده است که خواننده را خسته نکند و حداقل یک معنای ظاهری زیبایی را هم به خواننده القا کند..

ویژگی دیگر کتاب ایجاز لطیفی است که در آن به کار رفته است. متن این کتاب را می شد در یک کتاب چند صد صفحه ای یا بیشتر هم نوشت. اما حجم کم کتاب خستگی مطالعه را کم می کند و از طرفی خواننده را به خواندن کتاب تشویق می کند. نماد های به کار برده شده در کتاب، همگی نماد های تا به امروز استفاده شده نیستند؛ بلکه از نماد های جدیدی نیز در آن استفاده شده است. نکات اخلاقی و فلسفی بسیاری در این کتاب به کار رفته است که برای فهم آن ها نیز باید اطلاعاتی درباره مبادی و اصول فلسفه داشت. در ظاهر کلمات و جملات کتاب مبهم به نظر می رسد اما این شیوه نگارش کتاب است و ابهام کلمات در فصل های دیگر از بین می رود. زیرا مطلب یا موضوع به کار رفته در کتاب در یک فصل خلاصه نمی شود و در فصول مختلف کتاب پراکنده شده است و کتاب را شبیه یک پازل یا معما ساخته است. خوانندگان این کتاب بهتر است کتاب را از فصل اول مطالعه کنند زیرا این کار باعث فهم بهتر کتاب می شود. امیدواریم از مطالعه این کتاب لذت کافی را ببرید.

نویسنده کتاب پایان نامه ، سعید مبین شهیر

انتشارات: نشر آیدین ساو

نام سبک: مچیکال سمبولیسم

نام انگلیسی کتاب:

The End Of Letter

بخشی از محتوای کتاب پایان نامه :

من نخواهم بود.. صد ها سال می گذرد.. و گذری بر این نامه، به همه این نامه، از چشم کودکی خواهد افتاد..

و او زمزمه می کند.. غم نامه یاسمن ها را.. با صورت گندم گونش.. میان مزرعه کویر ..

مترسک ها می گویند.. او را نمی بینیم.. او سرشار است از وعده های گرفتار ..

مترسک ها می گویند.. فرمان یکی است.. فکر ما در هیوط بی دلیل تاریخ عصیان برداشته است..

پس بیایید خانه مان را.. این لکه کاشته شده در کویر را.. به هامونیان دهیم..

ما هم خواهیم توانست.. پاک کنیم رد عدم را.. بر زمین هامون بزرگ بنشینیم..

و بریزیم دریای ناپیدای این دشت را.. در کوزه هایمان.. و از آن بنوشیم.. همانند انسان..

و خموشان را در ظلمت به سکوت رفته پاییز.. به حلقه بی کناره دست و گوش گرفتار کنیم..

به ناگاه.. آن کودک، پیر خواهد شد.. خواهد گفت که رازی دارد.. که باید به آذر بگوید..

چگونه بگوید؟.. به سوزش ببالد یا بنالد.. یا در مرگ یاسمن ها.. ستاره ها را درون دریا بشمارد..

سکوت می دمد.. سکوت می دمد.. و باز هم سکوت می دمد..

صدایش را می شنکد.. و خود را از فصل پرندگان خشمگین رها می کند..

انسان ها می رسند.. جلو تر می آیند.. و باز جلوتر.. کجاست کودک؟.. نمی دانند..

نوشته است او.. تا هست عالمی.. تا هست آدمی.. به ناله هایم می بالم.. و پاهایم را می شویم.. همانند چشمانم..

که به صبح رسم.. به آخرین خاموشی عالم..

آنجا که جایی ندارد... جهانی میان گوهر خدایی.. و میان گوهر اجسام.. و عقلش آسمانی می شود..
مرا هم می تواند ببیند.. می گویم.. به او و دوستانش.. رهاشدیم.. چه خوب بود باز نمی گشتیم..
ای کاش از چیزی تترسیده بودیم.. ای کاش با همسرانمان آرام می شدیم.. و آرزو هایمان را در فقر و نیازمندی می یافتیم..
چه مانده است بر ایمان؟.. جز جدایی چه را یافته ایم.. اگر نمی آمدیم.. و تمام می شدیم.. به کدام زیبایی باید وابسته می شدیم؟؟..
پس بیایید باهم بگوییم.. که آیا موجودی جز خدا می توان یافت؟.. شاید نتوانیم سخن بگوییم.. ما شمعی فارغ از گرما هستیم..

لینک مطلب در سایت : <http://sardroud.ir/?MID=21&Type=News&id=458>